هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان



اگر تاریخ دربارهٔ ما می نویسد، مبارزات ما را مبارزات بین المللی به خاطر آزادی، باید بنوسید و این واقعیت است.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ نهم ۶ جوزای ۱۳۹۱ ۵ رجب المرجب ۱۴۳۳ - 26 May 2012

در شیکاگو

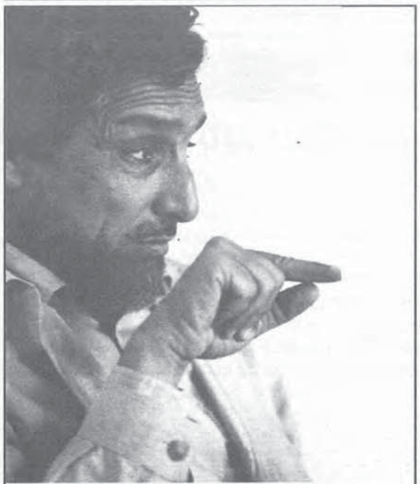
آصف علی زرداری از صلاح الدین ربانی دعوت نمود تا به پاکستان سفر نماید

ص۷



صلاح الدین ربانی: از جمهوری اسلامی پاکستان توقع داریم که برای تأمین صلح در افغانستان گام های موثری بردارد. زیرا تجربهٔ خشونت های پسین در افغانستان، ثابت ساخته است که از شعله های نا امنی و بدبختی در افغانستان، پاکستان به هیچ صورتی در امان نیست و معلوم است که دوام جنگ به ضرر منطقه به خصوص دو کشور افغانستان و پاکستان است.





قهرمان در برگ های تقویم

ص۵

نشست شیکاگو و مشکل ناتمام افغانستان



◇ **وحید مژده**

روز یکشنبه ۲۰ ماه می، شهر شیکاگو در ایالات متحدهٔ امریکا شاهد برپایی نشستی از کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بود که در آن سران و نمایندگان حدود شصت کشور جهان شرکت ورزیده بودند. در تاریخ ۶۳ سالهٔ ناتو، این بیست و پنجمین نشست رسمی این سازمان بود.

این نشست در تحت تدابیر شدید امنیتی گشایش یافت که با تظاهرات مخالفین جنگ افغانستان در این شهر همراه بود و در نتیجه ۴۵ تن از تظاهر کنندگان توسط پولیس دستگیر شدند. حمایت از جنگ افغانستان به خصوص بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، هواداران خود را در غرب از دست داده است و اکثریت مردم امریکا نیز خواهان بازگشت نیروهای کشور شان از افغانستان اند.

مسئلهٔ کمک به نیروهای مسلح افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ و سپردن مسؤولیت های امنیتی به این نیروها یکی از مسایل مهم در دستور کار اجلاس شیکاگو بود اما مسایل دیگری از جمله روابط میان کشورهای عضو این سازمان و همچنان گسترش روابط میان ناتو و کشور های غیرعضو اما همکار با ناتو نیز از مسایل مورد بحث در این اجلاس بود.

از تبلیغات تا واقعیت

قبل از تدویر این گردهمایی گفته شده بود که کنفرانس شیکاگو در مورد افغانستان تصامیم سرنوشت سازی را اتخاذ خواهد کرد. کشورهای عضو ناتو در مورد پرداخت بودجهٔ نیروهای افغان بعد از سال ۲۰۱۴ تعهدات خویش را در این کنفرانس اعلام خواهند نمود، چیزی که اصلاً تحقق نیافت و این نشست نیز شباهت بسیار به نشست لزبن داشت و حتی در اعلامیهٔ پایانی ص۲

حماسهٔ ۸ جوزا ۱۳۸۵ خاطرهٔ ماندگار تاریخ

ص۷

از فرصت ها باید استفاده کرد!

ص۲

اعلامیهٔ اجلاس سران ناتو در شیکاگو در مورد افغانستان

ص۳

«کتاب، کتاب نویسی و کتاب خوانی در افغانستان»

ص۵

پیوستن با مراکز (قدرت و ثروت)

حق مسلم، نیاز امروز و فردای کشور

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳٥ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

از فرصت ها باید استفاده کرد!

پس از سقوط رژیم طالبان، ده سال است که جامعهٔ جهانی علاوه بر حضور شان در کشورما، در ارتباط افغانستان، با برگزاری کنفرانس ها در داخل و خارج، تعهد و همکاری شان را در عرصه های گونه گون ابراز می دارند، کنفرانس هفتهٔ گذشته در شیکاگوی امریکا، از نشست هایی بود که موضوع محوری آن به افغانستان ارتباط داشت تا کمک ها، حمایت ها و تعهدهای جامعهٔ جهانی را بعد از ۲۰۱٤ که سال خروج کامل نیروهای نظامی ناتو از کشورما خوانده شده است، با خود داشته باشد. در این نشست دو روزه، که سران بیست کشور عضو ناتو و بیش از پنجاه کشور جهان اشتراک داشتند با صدور توافقتنامهٔ پایان یافت. آنها به طور رسمی، استراتژی را تصویب کردند که بر اساس آن نیروهای بین المللی به شکل تدریجی تا پایان سال ۲۰۱٤ افغانستان را ترک می کنند و نقش نیروهای آیساف از فعالیت های محاربوی به نقش حمایتی مبدل خواهد شد. تنها اموزگاران آنها برای تعلیم و اموزش نیروهای افغان، باقی می مانند. در اعلامیهٔ ناتو گفته شده است که این پیمان به طور مسؤولانه و تدریجی تعداد نیروهایش در افغانستان را کاهش می دهد تا ماموریت آیساف تا پایان سال ۲۰۱٤ تکمیل شود. اما باراک اوباما از چالش های بعدی در افغانستان خبر داده گفت، افغانستان روزهای دشواری را در پیش خواهد داشت و کارهای باقیمانده است که باید اجراء شود. در این کنفرانس نیاز مالی که از جانب افغانستان پیشنهاد شده بود به صورت رسمی در توافقنامه چیزی درج نشده است اما بنا به اظهارات مقامات دولت افغانستان، تعهد هایی که خیلی نزدیک به این پیشنهاد بوده، از جامعهٔ جهانی به دست آورده اند. دولت افغانستان سالانه مقدار چهار میلیارد و یکصد میلیون دالر امریکایی را از جامعهٔ جهانی تقاضا نموده بود.

درست است که جامعهٔ جهانی همکاری و حمایت شان را از افغانستان نشان دادند، تعهداتی را در جهت کمک رسانی به افغانستان تا ۲۰۲٤ نمودند، اما بر دولتمردان کشورماست تا از این فرصت ها بهره گیرند، پول های کشورهای کمک دهنده به راه درست که منافع ملی در آن نهفته باشد به مصرف برسد، حیف و میل نشود، به کیسه های زورمندان و مفسدین راه باز نکند، فساد اداری که سبب بدنامی کشور و مردم ما شده است ریشه کن گردد، عملکردها مورد ارزیابی قرار گیرد، مکافات و مجازات که اصل مهمی است در تشویق و تنبیه کارکنان درنظر گرفته شود، گزینش افراد به امور دولتی نه با روابط و پول و زور بلکه، مطابق ضابطه ها صورت گیرد، توازن خدمات در کشور در نظر گرفته شود و زمینهٔ ایجاد شغل برای بیکاران فراهم گردد. زیرا در نظام های مردم سالاری، مشروعیت نظام علاوه از اینکه از طریق آرای مردم میسر است، از طریق عرضهٔ خدمات بهتر و خوب که جلب و حمایت مردم را در پی دارد، نیز مهم و اساسی می باشد. باورمندی و اعتماد مردم نسبت به حاکمیت، در ثبات و تأمین صلح و امنیت کشور را کمک می رساند.

افغانستان، موافقتنامه هایی را با کشورهای هند، ایتالیا، انگلستان، فرانسه، امریکا و استرالیا به امضاء رسانید و قرار است با ترکیه نیز هم پیمان شود که برای افغانستان امیدوار کننده است در صورتی که این موافقتنامه ها روی کاغذ ها باقی نمانند و جنبهٔ اجرایی را به خود بگیرد، به یقین در پیشرفت، توسعه و آبادانی کشورما در تمام عرصه ها می تواند یک موفقیت باشد. اما بازهم تأکید بر این داریم، حکومتداری خوب، مدیریت سالم و متعهد بودن به منافع ملی است که ما را به سوی موفقیت، ترقی و تعالی رهنمون می سازد.

نشست شیکاگو و مشکل ناتمام افغانستان



ادامه از صفحهٔ اول

آن نیز مسایلی که در کنفرانس لزبن روی آن توافق شده بود، تکرار گردید.

به صورت کلی می توان گفت که این نشست به شدت تحت تاثیر بحران اقتصادی در اروپا بود. این بحران موجب شد تا سوسیالیست ها در فرانسه به قدرت برسند و فرانسوا اولاند رئیس جمهور جدید اعلام داشت نیروهای این کشور را تا پایان سال ۲۰۱۲ از افغانستان خارج خواهد کرد. این تصمیم اولاند کاملاً در تضاد با فیصله های اجلاس لزبن نیز بود که اعضای ناتو تلاش داشتند تا به جهانیان بفهمانند، در خروج از افغانستان عجله ندارند. فرانسه در افغانستان ۳۳۰۰ سرباز دارد و رئیس جمهور قبلی این کشور سرکوزی بارها به ماندن نیروهای کشورش در افغانستان تاکید کرده بود.

چالش های فرا راه ناتو در خروج از افغانستان

اکنون که نیروهای ناتو تصمیم به خروج از افغانستان تا سال ۲۰۱۴ گرفته اند و می خواهند تا آن زمان مسؤولیت های امنیتی را به صورت کامل به نیروهای افغان بسپارند. به این حقیقت پی برده اند که خارج شدن از افغانستان دشوار تر از داخل شدن در این کشور بوده است.

از شش ماه قبل راه تدارکاتی ناتو از مسیر پاکستان به دنبال حملهٔ هلیکوپتر های ناتو به یک پوستهٔ سرحدی که به کشته شدن ده ها سرباز پاکستانی منجر گردید، مسدود شده است. دولت پاکستان با دادن حق تصمیم به پارلمان این کشور در مورد بازشدن راه اکمالاتی ناتو، این قضیه را به شدت سیاسی ساخت. اکنون بیرون آمدن از این بن بست در توان رئیس جمهور زرداری نیست. وی که در نشست شیکاگو دعوت شده بود، با رویهٔ سرد و حتی توهین آمیز از جانب رئیس جمهور اوباما و سرمنشی ناتو مواجه شد.

راسموسن سرمنشی سازمان ناتو در جواب این سوال که چرا ناتو در برابر پاکستان به صورت جدی برخورد نمی نماید گفت که ناتو مطابق به فیصلهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان حضور دارد و بنا براین، حوزهٔ ماموریت ناتو در افغانستان محدود است.

اما خواست پاکستان از ناتو اینست که این سازمان باید در برابر هر کانتینری که از خاک پاکستان می گذرد، به این کشور تکس تادیه نماید. قبل از مسدود شدن راه در شش ماه قبل، این تکس ۲۵۰ دالر برای هر کانتینر بود ولی اکنون پاکستان از هر کانتینری که از خاکش می گذرد ۵۰۰۰ دالر تکس مطالبه می نماید.

هرچند این افزایش بیست برابر تکس غیرمنطقی است اما پاکستان هم محاسبات خود را دارد. طبق یک تخمین، مصارف هرکانتینر از بندر کراچی تا افغانستان تا قبل از بسته شدن راه توسط پاکستان، ۷۰۰۰ دالر بود که وقتی ۵۰۰۰ دالر تکس جدید به آن علاوه شود، ۱۲۰۰۰ هزار دالر مصرف برخواهد داشت در حالی که این مصرف از راه روسیه به بیش از بیست هزار دالر بالغ می شود به همین دلیل بود که در گذشته ناتو خسارات ناشی از حملات شورشیان به این کاروان ها در داخل خاک پاکستان را زیاد جدی نمی گرفت اما اکنون وقتی مصارف انتقال بلند می رود، تقاضای ناتو اینست که پاکستان باید مسؤولیت امنیت این کاروان ها را در داخل خاک خود متقبل شود اما پاکستانی ها این شرط را نمی پذیرند.

از نظر پاکستانی ها ناتو با پرداخت ۵۰۰۰ دالر تکس اضافی، از این معامله نفع می برد، زیرا از یکطرف مصارف کمتر در مقایسه با راه شمال می پردازد و از جانب دیگر، در وقت نیز صرفه جویی می کند.

بنا براین خروج نیروهای خارجی از افغانستان برای پاکستان منبع عاید سرشاری خواهد بود. به عنوان مثال تنها مصارف خروج وسایل و تجهیزات نیروهای فرانسوی به ۲۰۰ میلیون یورو تخمین می شود که بخشی از این پول به جیب پاکستان خواهد رفت درحالی که نیروهای امریکایی و انگلیسی مبالغ به مراتب بیشتری را هزینهٔ خروج از افغانستان خواهند نمود.

پیام های متضاد نشست شیکاگو

نشست شیکاگو دو پیام از هم متضاد داشت؛ برای مردم امریکا و در مجموع دنیای غرب، پیام این نشست این بود که سربازان این کشورها از افغانستان خارج خواهند شد و جنگ رویاروی آنها با شورشگری در افغانستان به پایان خواهد رسید. همانگونه که سرمنشی ناتو گفت که، ما بعد از سال ۲۰۱٤ افغانستان را رها نمی کنیم بلکه، نقش ماموریت ما در این کشور تغییر می کند.

اما پیام این نشست برای مردم افغانستان این بود که بعد از سال ۲۰۱٤ جنگ افغانستان یک جنگ افغانی خواهد شد و افغان ها با هم درگیر جنگ خواهند بود. خارجی ها کمک به نیروهای افغان را ادامه می دهند تا مانع از ضایع شدن دستآوردهایی گردند که بعد از سال ۲۰۰۱ افغانستان به آن دست یافته است.

سالانه حداقل ۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دالر برای کمک به این نیروها داده خواهد شد که بیشتر این پول را امریکا خواهد پرداخت. به عبارهٔ دیگر جنگ برای ناتو به پایان خواهد رسید اما برای افغان ها مرحلهٔ جدیدی از جنگ ها آغاز خواهد شد.

اما نشست ناتو برای اوباما هم یک فرصت خوب برای کمپاین انتخاباتی بود. او یکبار دیگر رهبری کشورش بر جهان را به رخ مردم کشورش کشید که در یک دوره از ریاست جمهوری وی تحکیم یافته است. او می خواست مردم کشورش بحران اقتصادی را در سایهٔ نشستی فراموش کنند که بیش از شصت کشور جهان به فرمان امریکا در آن شرکت کرده اند و این یک پیروزی برای اوباما بود.



اعلامیهٔ اجلاس سران ناتو در شیکاگو در مورد افغانستان

صـادر شده توسـط سـران دولـت و حکومت افغانستان و ملـل اشـتراک کننـده در قـوای حـافظ صـلح بـین المللـی تحـت رهبری ناتو

دیباچه

۱. ما، ملل کمک کننده به ایساف، و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، برای تجدید تعهدات استوار خود برای افغانستانی مستقل، امن و دموکراتیک، در شیکاگو با هم دیدار نمودیم. در امتداد استراتیژی که ما در نشست سران در لسبون بدان موافقت نمودیم، مأموریت ایساف تا ختم سال ۲۰۱۴ پایان خواهد یافت. اما بعد از آن افغانستان تنها نخواهد ماند: ما باری دیگر تصریح می نماییم که مشارکت نزدیک ما بعد از اتمام دورهٔ انتقال تداوم خواهد داشت.

در ده سال مشارکت ما، زندگی شهروندان افغانستان به طور بارزی در عرصه های امنیت، اموزش، حفظ صحت، فرصتهای اقتصادی، و همچنان تضمین حقوق و ازادیها، بهبود یافته است. کارهای زیادی است که باید انجام پذیرد، اما قویاً مصمم هستیم تا مشارکت خویش را برای حفاظت از پیشرفت های مطمئنی که ما یکجا در دههٔ گذشته بدست اورده ایم، تداوم بدهیم. بنابراین ملل همکار با ایساف به حمایت خویش از افغانستان در مسیرش به سمت خود اتکایی در امنیت، حکومت داری توسعه یافته، و انکشاف اقتصادی و اجتماعی ادامه خواهند داد. این امر افغانستان را از اینکه باری دیگر به عنوان پناهگاهی امن برای تروریستان، که تهدیدهایی برای امنیت افغانستان، منطقه و جهان هستند، مبدل گردد، مصئون می سازد. یک افغانستان امن و باثبات، همکاری قابل توجهی را برای منطقهٔ خود که در عرصه های امنیت، ثبات و توسعه به هم پیوسته است، ارزانی می دارد.

۲. افغانستان و ملل ایساف در عزت بخشیدن به همه آنان – افراد ملکی یا نظامی، افغان یا خارجی- که زندگیشان را برای دستیابی به یک افغانستان موفق، صلح آمیز، و با ثبات از دست داده اند، هم نظرند. ما ستایش ویژه خود را از رشادت نیروهای مسلح افغانستان و کشورهای عضو ایساف، که زنده اند، آموزش می دهند و هر روز پا به پای یکدیگر، همرزمی می کنند، ابراز می کنیم. ما مصمم هستیم که همه قربانی های ما بوسیلهٔ مشارکت قوی دراز مدت ما، که ایندهٔ بهتری را برای مردم افغانستان به ارمغان خواهد اورد، به حق دانسته خواهد شد.

اصول عمومی

۳. تلاشهای ما بخشی از تداخل گستردهٔ جامعهٔ جهانی، چنانچه در کنفرانس کابل در جولای سال ۲۰۱۰، پروسهٔ استانبول در بارهٔ امنیت و همکاری منطقوی که در نومبر سال ۲۰۱۱ برگزار شد، و کنفرانس بن در دسمبر ۲۰۱۱، بدان اشاره رفت، می باشد.

۴. ما تعهدات راسخ متقابل را، که در کنفرانس بن مورخ ۵ دسمبر صورت گرفت و اساس مشارکت درازمدت ما را تشکیل میدهد، به یاد داریم. در این زمینه حکومت جمهوری اسلامی افغانستان تصمیم قاطع خویش را در رسیدگی به تعهدات خود برای یک جامعهٔ دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون و حکومتداری خوب، به شمول پیشرفت در مبارزه با فساد، جایی که حقوق بشر و آزادیهای بنیادین شهروندانش، به شمول برابری مردان و زنان و مشارکت فعال هر دو گروه در جامعه افغانی، احترام میشود، تایید مینماید. پروسه های انتخاباتی پیش رو باید با تمام حرمت به حاکمیت ملی افغانستان و در مطابقت با قانون اساسی افغانستان انجام یابد. شفافیت، فراگیری و اعتبار آنها نیز حایز اهمیت بزرگ خواهد بود. در این زمینه، پیشرفت مداوم در راستای این اهداف قوای بین المللی حافظ صلح را در جهت فراهم آوری حمایت تاسال ۲۰۱۴و بعد از آن تشویق خواهد نمود.

۵. ما بر اهمیت مشارکت کامل زنان افغان در بازسازی، روندهای سیاسی، و پروسهٔ صلح و آشتی در افغانستان و نیاز به احترام به ترتیبات نهادی حفاظت کننده از حقوق شان، تأکید می نماییم. ما به تطبیق قطعنامهٔ شمارهٔ ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص زنان، صلح و امنیت متعهد باقی خواهیم ماند. ما همچنان نیاز برای محافظت اطفال در مقابل تاثیرات زیان آور منازعات مسلحانه را در مطابقت با قطعنامه های مربوطه، شورای امنیت ملل متحد درک می نماییم.

تکمیل نقشهٔ راه لسبون و بنا نهادن مشارکت با دوام

۶. در لسبون در نومبر ۲۰۱۰، ما در خصوص انتقال مرحله ای مسئولیتهای امنیتی از ایساف به نیروهای ملی امنیتی افغان تصمیم گرفتیم، تا افغانها را برای اخذ مسئولیت کامل امنیتی شان توانمند نموده باشیم. حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و ناتو- ایساف به این استراتیژی انتقال، که در ماهء جولای ۲۰۱۱ شروع گردیدمتعهد باقی می مانند. پروسهء انتقال بطور برگشت ناپذیر جریان دارد و الی ختم سال ۲۰۱۴ تکمیل خواهد گردید. ما همچنان در این زمینه اهمیت راهکار جامع و بهبود مداوم در حکومت داری و انکشاف را درک می نماییم.

۷. موج سوم ولایات برای ورود به پروسهٔ انتقال توسط رئیس جمهور کرزی به تاریخ (۲۴ ثور ۱۳۹۱)اعلام شد. این بدین معناست که به زودی دیده خواهد شد که۷۵ درصد از جمعیت افغانستان در نواحی زندگی می کنند که نیروهای ملی امنیتی افغانستان رهبری امنیت آن نواحی را به دست دارند. الی اواسط سال ۲۰۱۳ همه بخش های افغانستان پروسه انتقال را آغاز کرده خواهند بود و نیروهای افغان در رأس امنیت همه سرزمینشان قرار خواهند داشت. این امر، مرحلهٔ برجسته و مهمی در نقشهٔ راه لسبون را نشان خواهد داد. ایساف برای تکمیل ماموریت خود، نیروهای خود را به صورت تدریجی و مسئولیت پذیرانه تا ۳۱ دسمبر ۲۰۱۴ خارج خواهد ساخت.

۸. موفقیت پروسهٔ انتقال با پیشرفت قابل ملاحظهٔ نیروهای ملی امنیتی افغان از زمان لسبون در عرصه های توانمندی و مسلکی سازی، تحقق خواهد یافت. سربازان افغان به طور افزاینده رهبری عملیاتها را در خاک افغانستان به عهده دارند. نیروهای افغان، هم پولیس و هم اردو، قادر به حفظ امنیت مناطقی که وارد پروسهء انتقال گردیده است ثابت گردیده اند.

۹. تکمیل پروسهٔ انتقال به معنای پایان تعهدات جامعهٔ جهانی در قبال ثبات و توسعهٔ افغانستان نیست. افغانستان و ناتو باری دیگر تعهد خویش را برای توسعهٔ بیشتر مشارکت دوامدار افغانستان-ناتو که در سال ۲۰۱۰ در لسبون امضا شد، در تمامی ابعاد آن، تا سال ۲۰۱۴ و پس از آن، به شمول تدوین طرح درستکاری (Integrity Initiative)، تصریح می نمایند. در این زمینه حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و مقامات ناتو ، مشورتهای خویش را در راستای شکل دهی مشارکت با دوامدار، تعمیق خواهند بخشید.

۱۰. به هر صورت ما از اینکه تعدادی از کشورهای عضو ایساف موافقتنامه های مشارکت دو جانبه با حکومت جمهوری اسلامی افغانستان را به نتیجه رسانده اند، و یا در پروسهٔ به شمر رساندن آنند استقبال می نماییم. این چارچوب های مشارکت دوجانبه اساس همکاری و دوستی میان یک افغانستان مستقل، دارای حاکمیت ملی و دموکراتیک با کشور های متذکره را بر مبنای مساوات و منافع متقابل تشکیل می دهد.

پس ا ز ۲۰۱٤

۱۲. به هدف حفظ و تقویت ترقی قابل ملاحظه و دست آورد مشترکی که به دست آمده است، کشور های آیساف بالای تعهد دوامدار خویش به امنیت افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ مجددا تاکید مینمایند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان به استقبال از این حمایت ادامه میدهد.

۱۳. آیساف، به شمول ماموریت آموزشی ناتو در افغانستان، در رسیدن قوای امنیتی ملی افغان به سطح بالای توانمندی و ظرفیت امروزی خویش، یک نقش کلیدی بازی نموده است. دولت جمهوری اسلامی افغانستان مجدداً تصریح مینماید که ناتو با دیگر کشورهای همکار هنوز هم درآموزش، مشورت دهی و کمک به نیروهای ملی امنیتی افغان یک نقش اساسی دارد، و از این سازمان میخواهد تا به حمایت خویش در این زمینه ها ادامه بدهد. با تکمیل پروسه انتقال مسوولیت های امنیتی در ختم سال ۲۰۱۴، ماموریت ناتو از حالت محاربوی به یک ماموریت جدید، یعنی ارایه آموزش، مشورت و کمک تغییر خواهد کرد، که با ماموریت فعلی آیساف متفاوت خواهد بود.

۱۴. ما موافقت داریم تا برای ایجاد همچون یک ماموریت جدید تحت رهبری ناتو کار نماییم. ما اطمینان خواهیم داشت که این ماموریت جدید دارای یک بنیان حقوقی درست، مانند قطعنامه یی از شورای امنیت سازمان ملل متحد، می باشد.

حمایت از قوای امنیتی ملی افغانستان

۱۵. افغانستان با حمایت کشورهای عضو ایساف، به انکشاف نیروهای امنیتی که تحت حاکمیت قانون اساسی بوده و توانایی تامین امنیت تمام اتباع افغانستان را داشته باشند، متعهد می باشد. قوای امنیتی ملی افغان تحت رهبری ملکی موثر، در تطابق با حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر وظیفه اجرا خواهد کرد.

۱۶. در کنفرانس بین المللی افغانستان در بن به تاریخ ۵ دسمبر ۲۰۱۱، جامعه گستردهٔ جهانی تصمیم گرفت تا از آموزش، تجهیز، تمویل و انکشاف توانایی های قوای امنیتی ملی افغان پس از ختم پروسه انتقال حمایت نماید. کشورهای عضو ناتو و آیساف تعهد قوی خویش را نسبت به این پروسه یک بار دیگر بیان میدارند و نقش خویش را در راستای پایداری مالی قوای امنیتی ملی افغانستان ایفا خواهند کرد. ما همچنین از جامعه جهانی میخواهیم تا به این پایداری درازمدت متعهد گردند. سرعت و اندازه تقلیل تنظیم شده قوای امنیتی ملی افغان از نقطه اوج به یک سطح پایدار با در نظر داشت شرایط بوده و تصمیم در مورد آن توسط دولت جمهوری اسلامی افغانستان در مشورت با جامعه بین المللی گرفته میشود. مودل مقدماتی تعریف شده از جانب جامعه جهانی و دولت افغانستان، تعدادآینده قوای امنیتی ملی افغان را به تعداد مجموعی ۲۲۸۵۰۰ با بودجه تقریبی سالانه ۴.۱ میلیارد دالر امریکایی تجسم می نماید. و این مودل با در نظر داشت شرایط محیط امنیتی موجود به صورت منظم مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

۱۷. حفظ یک قوای کافی و توانای امنیتی ملی افغان مسولیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان با حمایت جامعه جهانی میباشد. منحیث جز یی از جامعه گسترده جهانی و با در نظر داشت تقویت میکانیزم های موجود، ما سهم خویش را در زمینه انکشاف هرچه بیشتر میکانیزم های مناسب، همسان و موثر تمویل و تنظیم هزینه برای تمام شعب قوای امنیتی ملی افغانستان ایفای خواهیم کرد. این میکانیزم ها انعطاف پذیر، شفاف، قابل توضیح، سود آور بوده و مشمول اقداماتی در امر مبارزه با فساد خواهد بود. این ها تفکیک بین وجوه مالی برای اردو و پولیس و همچنان انکشاف بیشتر ظرفیت در داخل وزارت خانه ها و نهادهای امنیتی افغان خواهد بود.

۱۸. با توسعه اقتصاد افغانستان و رشد عواید داخلی، اندازه سهم سالانه افغانستان به صورت فزاینده از رقم ابتدایی ۵۰۰ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۵ به شکلی افزایش خواهد نمود که حداکثر الی سال ۲۰۲۴ افغانستان مسولیت کامل تمویل قوای امنیتی خویش را به دوش گیرد. در روشنایی این نکته، در جریان دهه تحول ما توقع داریم که کشورهای کمک کننده بین المللی مقدار سهم کمک مالی خویش را متناسب با خواست دولت افغانستان مبنی بر ازدیاد مسئولیت های مالی آن کاهش خواهند داد.

۱۹. با انکشاف و مسلکی شدن بیشتر پولیس ملی افغان، آنها در راستای یک نیروی پایدار، قابل اعتبار و حسابده به صفت نیروی حاکمیت قانون رشد خواهد نمود که مسولیت اساسی امنیت داخلی را بدوش خواهند داشت. این نیرو باید توانایی حفظ نظم و آرامش را برای مردم افغان منحیث بخشی از سیستم تنفیذ قانون گسترده افغانستان داشته باشد.دراین امر مستلزم پلان مناسبی است که از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان در حمایت مناسب بورد بین المللی هماهنگی پولیس(IPCB) یا نهاد جایگزین آن ایجاد خواهد شد. اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان هر دو یکجا نقش اساسی را در تامین ثبات، حمایت از حکومتداری مشروع و انکشاف پایدار اقتصادی در سرتاسر کشور بازی خواهند کرد.

به سوی یک افغانستان صلح آمیز، باثبات و مرفه

۲۰. یک پروسه سیاسی که به مصالحه و ادغام مجدد موفقانه منتج گردد برای یک افغانستان صلح امیز و باثبات اهمیت کلیدی دارد. در این مورد، ما بالای اهمیت اصولی که در کنفرانس بن روی آنها تصمیم گرفته شد یک بار دیگر تاکید مینماییم. این ها پروسه هایی اند که به مصالحه می انجامد و باید به رهبری و مالکیت واقعی افغانها صورت بگیرد، باید فراگیر باشد، از منافع مشروع تمام مردم افغانستان بدون در نظر داشت جنسیت و وضعیت نمایندگی کند.مصالحه باید شامل تایید مجدد حاکمیت ملی، ثبات و یکپارچگی افغانستان، محکوم کردن خشونت، قطع رابطه با تروریزم بین المللی، و احترام به قانون اساسی افغانستان، به شمول احکام حقوق بشری آن، خاصتا در مورد حقوق زنان باشد.

۲۱. یک افغانستان صلح آمیز، باثبات و مرفه مسلماً به انکشاف اجتماعی و اقتصادی تمام منطقه کمک خواهد نمود، و موجب پیشرفت در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مهاجرت غیر قانونی تروریزم و جرایم میشود. دربین مورد همکاری و حمایت منطقوی برای ثبات در افغانستان کلیدی میباشد. دو نشست مهم دیگر در جهت تامین تعهد آینده شرکای منطقه ای و بین المللی در راه است. کنفرانس وزرا در کابل در مورد پروسه استانبول که قرار است یک بسته مقدماتی تدابیر اعتماد سازی را راه بیندازد، و درکنفرانس توکیو جامعه جهانی و رهبری افغانستان یک چارچوب را برای کمک های انکشافی آینده به بحث خواهند گرفت.

۲۲. وظیفه ما هنوز به اتمام نرسیده است. اما در روشنایی دست آوردهای عمده ما و با تقویت هرچه بیشتر تعهد محکم و مشترک ما، مطمین هستیم که مشارکت قوی ما به آیندهٔ بهتر افغانستان منتهی خواهد شد.

شعر مقاومت در دو دههٔ جهاد ۳

دکتور شمس الحق آریانفر

نسلی از چنین شاعران که اندیشهٔ وارداتی و بیگانه و حاکمیت تسلط غیر را بر خویش می ستایند و به آن می نازند در محیط هجرت وجود نداشته است.

۴- پرداخت های شاعرانه و آفرینش های ناب شعری در هر دو محیط به وفرت دیده می شود که چگونگی یافت و ارزیابی ویژگی های آن کار جداگانه یی است ولی این نکته را می شود گفت که این آفریده های ناب در محیط با تناسب فراوانی شاعران، از لحاظ کمی بیشتر از داخل بوده است.

در داخل افغانستان جدا از آن گروه مدیحه سرا و مبلغ بردگی، شاعران دیگر، سروده های بایسته یی داشته اند. آفریده های انباشته از ایماژ های ستوده و مفاهیم عالی، ولی از آنجایی که محیط داخل نظارت مستقیم نظام کمونیستی را بر خویش داشته است، شاعران ناگزیر به سرایش های پرابهام روی آورده اند و در مواردی با خویش و با درون خویش نجوا داشته اند. با این همه آفریده هایی داریم که درد و آلام زمان و ملت را در لابلای تصویر ها به نمایش گرفته است و بدین گونه با در نظرداشت همهٔ محدودیت ها شاعر دین خویش را ادا نموده است:

چه گنهکارم من
آه ... اگر
نطفه های گل فریادی را
فصل گرمای سکوتم
به گلو خشک کند.

و یا این سروده از عبدالسمیع حامد که در شهر مزار شریف زیست داشت و همهٔ درد مردم را بیرون ریخته است:

سبز تر سرود
باز شب می وزد از بیشهٔ دریا اینک
مرگ افراخته پر بر سر صحرا اینک
در گلوی غم امروز به تنگ آمده است
نفس شب زدهٔ سینهٔ فردا اینک
چمنی ریخته بر گسترهٔ سوگ اینک
جنگلی سوخته در دور تماشا اینک
در غبار نفس سرد غروب آواره
می رود قافله یی ا زنظر ما اینک
باز دجال خزان جلوه کنان می آید
رنگ در رنگ بر آورد فریبا اینک
تا زیربادی گلشن نفسی تازه کند
آتش افروخته در حجلهٔ گل ها اینک
سرو من، سبزتر ازپیش سرودی سرکن
روح پاییز بر آشفته غم آوا اینک

در راستای بیان دردهای ملت، عبدالقهار عاصی جایگاه ویژه یی دارد. تقریباً همهٔ سرودهای او اختصاص به همین امر و همین درد دارد بخشی از سرودهٔ سال خون سال جدایی را می خوانیم:

هم در این سال از گلوی کودکان شمشیر برکردند
خواهران فریاد سر کردند
هم در این سال نجس
باغ از لبخند و از تسبیح خالی گشت
رود از نغمه سرایی
سال خون، سال جدایی

پرتو نادری بیداد وارد بر ملت را چنین به تبیین آورده است:

در شهر دود و آتش و باروت
دروازه های باغ تبسم را
آن گونه بسته اند
کین جا تمام روز
یک نسل سوخته
بیگانه با تبسم و لبخند
نابود می شوند

در سروده های محیط هجرت نیز تصویرها و یافت های بایسته یی حضور دارد که کلیت شعر یک آفریده را به نمایش گرفته است:

جوانه در چمن ما، دم شکفتن سوخت
زبان غنچه به هنگام شکوه گفتن سوخت
خزان سواره به پهنای باغ می تازد
مشام باغ از این نا سزا شنفتن سوخت
شکنج بغض فشارد گلوی احساسم
به شوره زار لبم، لحظه لحظه گفتن سوخت

و یا این ابیات پرصلابت از عبدالأحد تارشی:

نسیم فتح به گلزار خون وزید بیا
به پیشواز تو صد دسته لاله چید بیا
گذشت قافلهٔ خون ز دشت ظلمت شب
به مرز کشور خورشید صف کشید بیا
حنای پای خسان شد نمای تاج سرت
نگر به خون دل این همه شهید بیا

یا این استغنا و بیان ناب در سروده یی از کاظم کاظمی:

غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت
پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت
طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد
و سفره ام که تهی بود بسته خواهد شد

۵- شعر هجرت بر مدار و محور مشخص حرکت داشته است: اسلام، جهاد و آزادی و همه آفریده های شعری در راستای این اصول به هستی آمده است؛ در این سروده هاست که جوان افغان و مجاهد مخاطب است:

من کجا و آن که خوبی جامهٔ سنگین اوست
با خط زر ثبت در تاریخ آن و این اوست
نعره اش آفاق گیر و آه او گردون گذر
اشک او اندر سحرگه زهره و پروین اوست
با همه ژولیدگی در پای محراب دعا
بوسه گاه صد اجابت درگه آمین اوست
با کلوخی گر زند دشمن به سنگش می زند
این یکی از امتیازات غرور آگین اوست
مشت مرگی گر خورد از مشت خاکش نگذرد
حب خاک و کشور از آورده های دین اوست

و اما در شعر داخل کشور مدار حرکت شاعر گونه گون است که گاه گاه در ورطه های عاطفه و خیال کاملاً در خلأ سیلان می کند و بی مدار می گردد. گاه از دل می گوید، گاه از یار و گاه از وضع زمانه و زمانی از یک احساس مبهم و نایافتنی و به هر حال رگه هایی از نارضایتی در اکثر از سروده ها پیداست.

۶- تعهد و التزام یکی از اصول خدشه ناپذیر هنر است. با آن که طرفداران هنر برای هنر فراوان تلاش ها در جهت تحقق آن ابتذال نموده اند، با آن هم برکرسی قرار نگرفته است. چه هر کاری، بیانی و هنری که در آن هدف و آرمانی نهفته و منظور نباشد، عبث است.

در شعر و ادب حتی طرفداران هنر ناب نیز به گونه یی از تعهد و التزام باورمند هستند. تعهد در برابر فضیلت، انسانیت، عدالت، داد خواهی و...

شعر محیط هجرت ما انباشته است از تعهد و التزام در برابر اسلام، میهن، آزادی و جهاد، در حالی که شعر داخل کشور با دو روند مشخص می گردد:

تعهد در برابر غیر و بیگانه پرستی که شاعران وابسته به نظام کمونیستی مبلغ آن بوده اند و دیگر تعهد در جهت استقلال و دردهای ملت که با وجود رعب و وحشت کمونیزم در جهت اصالت هنر و ادب و میهن و اسلام و آزادی در شعر برخی از شاعران مایه بسته است:

بخشی از سرودهٔ "و آفتاب نمی میرد" از واصف باختری:

و سایه سایه اندوهناک سرگردان
شنید پاسخ آوای خویشتن از باد
به بی گناهی گل های سرخ دشت تان
و خواب سبز گیاهان گریستن تا کی
به باغ قرن گذاری کن
که چتر آبی کاج و نگین نیلی برگ
و دست کوچک هر سبزه
ترا به جنگل امید می خوانند
شهاب زود گذر اگر شد ستارهٔ تو
ستارهٔ دیگری آفتاب خواهد شد
و آفتاب نمی میرد.
برو بپرس ز مرغان بیشه های کبود
ز تیر خورده پیام آوران توفان ها
ز آشیانه به دوشان دشت های غرور
که راه جنگل سبز امید می دانند
برو بپرس مگر راه دیگری هم است
برو بپرس در این راه رهسپاری است
و سایه گفت به همزاد خویش آیاست

❊

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل (رح)

معراج ادب



ادب نه ذوق عبادت نه سعی حق طلبی است
به غیر خاک شدن هر چه هست بی ادبیست

تصویر عمومی:

باز، سخن بر سر ادب است، یعنی نیکو ترین تعبیر از خشوع و خضوع وعالیترین مظهر رعایتها و نگاهداشتها علمای علم اخلاق به صورت کل ادب را عبارت از صیانت نفس و قول از افعال نا ستوده و الفاظ نا پسندیده میدانند.

در قاموس سوسیالوژی (جامعه شناختی) ادب جزئی از معیارها و مقرراتیست، که نظر به اقتضای ظروف و شرایط مسلط بر جامعه، پیروی از آن مؤدب بودن فرد را میرسانند.

اما متصوفان و بزرگان طریقت یعنی آنانی که جوهر تقوی سرمایهٔ اعمال شان است و عبادات شان از روح و یقین مالال. ادب را عصاره و خلاصهٔ همه فضایل میدانند.

در نزد این طایفهٔ آزاده، ادب آیینهٔ تمام نمای همه فضایل وزیباییها ست. (الطریقه کلها آداب).

این جا ست که مفهوم وسیع ادب نمایان میگردد و عظمت این کلمه قلبها را به تپش میاندازد. مبالغه و اغراق نخواهد بود. اگر بگوییم که قوام و بقای کاینات در ادب است. زیرا هر گاه در تمام تعریفنامه ها و شناسنامه های ادب، اگر دقت کنیم، همه دارای مفهوم مشترکی اند و آن عبارت از تناسب است، یعنی رعایت آنچه مناسب است.

هرگاه در هر جا و در هر چیز این تناسب از بین برود، آن چیز و یا حداقل ناقص می گردد. پس شیرازهٔ جهان هستی و قوام عالم امکان مربوط به ادب است. اما حضرت ابوالمعانی بیدل با معنویت بلند و دید عمیقی که دارد، چنان تعریف جامع، وسیع و زیبایی از ادب ارائه کرده است، که میتوان آن را معراج ادب نامید. زیرا در نزد بیدل عبادت، ذوق عبادت، حق طلبی، و سعی حق طلبی که بدون روح باشد و حضور قلب در آن دخیل نباشد، به منزلهٔ گستاخی و بی پرواییست و به این ترتیب عبادات نیز آدابی دارد و بدون رعایت آداب، عبادات بی ادبی و گستاخی خواهد بود.

الفاظ وکلمات:

در مصراع اول به کلمات چهارگانه ذوق عبادت- سعی و حق طلبی توجه نمایید. اولاً اینکه این کلمات چنان زنده، متحرک ومطابق با روحیه و سیاق بیت است، که خواننده را به هیجان می آورد. زیرا هر فرد از شعر بیدل (رح) دارای سیاق و روحیهٔ خاصی است و چنان کلماتی را انتخاب میکند، که مفاهیم و معانی آن کاملاً با روحیهٔ بیت مذ کور مطابقت دارد.

در ترکیب «ذوق عبادت» و«سعی حق طلبی» چنان مبالغهٔ جالب و لطیفی نهفته است، که روح انسان از درک آن شگوفان ومنبسط میگردد، که این خود هدف نهایی شعراست.

در نزد خواص«عبادت»، بدون حضور و روح، خود یک نوع گستاخی و بی پرواییست. اما بیدل (رح) از این هم پا فراتر میگذارد و با اضافه کردن کلمات «ذوق» و« سعی» مبالغهٔ ظریف و با شکوهی را در مفهوم بیت شامل می سازد. یا به عبارهٔ دیگر ذوق، خود در عبادت یک نوع ادب است و همچنان در حق طلبی نیز سعی، نوعی از ادب.

اما ادب در نزد بیدل، فراتر از این هر دو نوع ادب است، که آن عبارت از « خاک شدن» یعنی کمال انکسار خشوع و خضوع و عجز است.

و هدف ما از موجودیت مبالغهٔ زیبا در کلمات «ذوق» و« سعی» همین نکتهٔ فوق است.

مفهوم تفصیلی:

داشتن ذوق در عبادت وسعی در حق طلبی اگر چه از جملهٔ آداب است. اما معراج ادب نیست. بل که معراج ادب وعالیترین مرتبهٔ ادب، هما نا خاک شدن در پیشگاه حضرت حق است و خاک شدن سمبول آخرین مرحلهٔ انکسار وعجز است واین حالت، مناسبترین حالتی است، که بنده در پیشگاه خداوند مقتدر به خود اختیار میکند. زیرا درمقابل ذات بیچون که درهمه صفات در مرتبهٔ کمال وتمام است، باید مناسبترین حالت رعایت گردد وآن عبارت از رعایت آخرین مرحلهٔ عجز وانکسار است.

روی این اصل بود که«ادب» را با جملهٔ رعایت تناسبها تعریف کردیم.

خلاصهٔ مفهوم:

ازدید گاه بلند نظران، نه ذوق عبادت ادب است، نه سعی وتلاش برای طلب حق. بل که در پیشگاه خداوند قهار وجبار غیر از خاک شدن یعنی غیر از عجز وانکسار کامل دیگرحالات بی ادبی تلقی میشود. زیرا عظمت و جلال خداوندی ایجاب میکند که بنده درکمال عجز وانکساربا شد و ذوق عبادت وسعی حق طلبی اگرچه ادب است، اما به تناسب عظمت وجلال بارگاه احدیت بسیار نا چیز و حتی گستاخی وبی پروایی است.

به مناسبت هفتهٔ کتاب

(کتاب، کتاب نویسی و کتاب خوانی در افغانستان)

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

بیکن گفته است: "از این که می اندیشم، پس هستم". نوشتن و کتاب از تداوم و اضطمرار فرهنگ در کشور ها خبر می دهد، ما به خاطری می نویسیم که میراث خوار یک فرهنگ بزرگ و دیرینه ایم. ما تا زمانی می نویسیم که زنده ایم، و تا زنده هستیم می نویسیم. وقتی نوشته، کتاب و اندیشه توقف کند، دیگر مرگ فرا می رسد. مرگ تمدن ها در حقیقت ختم اندیشه و تفکر است.

اما افغانستان در حوزه های تاریخی خویش با فرهنگ جهان سر و کار داشته است و این کشور در غنامندی ادبیات جهان و علم جهان نقش بارز داشته است. کم نیستند دانشمندان کشور ما که در گذشته های تاریخی این سر زمین به دانش و آگاهی جهان، و منطقه پرداخته اند.

افغانستان در حیات سیاسی خویش جز و مدر های زیادی را دیده است. رویداد های سیاسی؛ به ویژه حمله قشون سرخ شوروی سابق، هجرت هموطنان ما به نقاط دور افتاده عالم، بدون شک یک نوع پراگندگی را در میان فرهنگیان، کار و فعالیت آنان به وجود آورد اما نتوانست فعالیت های آن ها را در کشور میزبان از کار های علمی فرهنگی باز دارد. این دانشمندان در حوزه های دور و نزدیک به جریان های سیاسی کشور پرداختند و حوادث این کشور را به وسیلهٔ کتاب، مجله و بیان به معرفی گرفتند.

در سخت ترین و دشوارترین حیات سیاسی در این کشور، جریان کتاب نویسی، کتاب خوانی، نوشته و سواد توقف ننموده است. بدون تردید افغانستان در جغرافیای وسیع فرهنگ مرکزیت بلا تنازع داشته است. با وجود آنکه از سوی بیگانه ها در مقاطع مختلف تاریخ، تلاش صورت گرفته است، تا به جریان رشد کتاب و کتاب نویسی پایان داده شود و این کشور بدون شک در برهه های حیات خویش دستخوش آشفتگی فرهنگی و علمی گردیده است، اما حرکت های علم زدایی نتوانست جریان های سیال، افکار و اندیشه را از کشور ما بزداید.

امروز همه چیز در افغانستان تغییر کرده است و نویسندگان کشور ما به مسائل و موضوعات گوناگون می پردازند و به ابعاد و آفاق مختلف علوم دست می یازند. امروز نوشته های نویسندگان کشور ما در زمینه های: تاریخ، سیاست، جامعه شناسی، فرهنگ و رسوم مردم، فلسفه و عرفان، متون ادبی، تاریخ ادبیات، نقد ادبی، خاطره نگاری، نوشتن کتاب های دانشگاهی، شتاب بیشتر یافته است. بعد از سال ۲۰۰۱ یکنوع تغییر محسوس در بازار کتاب به وجود آمده است.



بسیاری از مراکز چاپ و نشر، به ویژه از کشور پاکستان به داخل افغانستان منتقل گردیده است، با وجود آنکه در این آشفته بازار هر ناپُخته و خام به نشر می رسد، با آنهم این دستگاه های نشراتی خصوصی توانسته اند کار های درخور اهمیت را در زمینه های نشر کتاب به وجود آورند. همانگونه که ظرف ده سال اخیر شتاب در جهت ایجاد و تاسیس تحصیلات عالی در کشور بیشتر گردیده است، به همان تناسب نوشتن کتاب های دانشگاهی و تخصصی در داخل کشور رشد یافته است و در زمینه های علوم مختلف این بنگاه های نشراتی خصوصی به چاپ اینگونه کتاب ها مبادرت می ورزند.

این کتاب های علمی و تخصصی فقط در حوزهٔ دانشگاه و موسسات عالی مورد نیاز می باشد و پوشش همگانی ندارد، آنچه در شرایط کنونی افغانستان بیشترین خواننده را در خود جمع نموده است و مردم بدان رجوع می کنند، کتب تاریخی، دینی، شعر، قصه، خاطره، جریان های سیاسی و حوادث تاریخی سه دههٔ اخیر در کشور می باشد. افزون بر اینها شاهکار های تاریخی، علمی و ادبی اذهان مردم را شکار نموده و در بازار کتاب خریداران زیادی را پیدا کرده است.

هجوم سرسام آور انترنت و کانال های مختلف جای کتابخانه ها را به خود اختصاص داده است. امروز پیش از آنکه برخی از معلومات ضروری از کتابخانه ها به دست آید، از این مراکز معلوماتی دستیاب می گردد. حتی گفته می شود که انترنت و کانال های مختلف آن جای کتاب و کتابخانه را گرفته است؛ اما باید گفته شود که هیچ یک از دستگاه های مدرن انتشار علوم جای کتاب، اخبار و مجله های علمی را گرفته نمی تواند.

نخست اینکه امروز در افغانستان انترنت و کانال های معلوماتی آن پوشش همگانی ندارد و مردم کمتر قادر اند به این معلومات دسترسی پیدا کنند. دوم اینکه اگر اطفال و نوجوانان ما به هر چیز تازه و معلوماتی به انترنت مراجعه نمایند، دیگر روحیه کتاب و کتاب خوانی و نوشته از طریق کتاب از بین خواهد رفت، در حالی که انترنت به سرعت عمل نیاز دارد و ما نیاز داریم این گونه معلومات را بدون اتلاف وقت از این طریق به دست آوریم اما شده نمی تواند انترنت جای کتاب و کتابخانه را به خود اختصاص دهد. با وجود اینکه در افغانستان کتاب، مجله و اخبار به حد کافی وجود دارد و همه روز از سوی انتشارات کتاب در بازار، کتاب عرضه می گردد و از کشور های همسایه، کتاب وارد کشور می گردد، اما طوری که دیده می شود تعداد خوانندگان کتاب، مجلات و اخبار کمتر شده است، این کمبود ممکن در بیکاری، فقر و عدم دسترسی به این کتب بوده باشد و عوامل دیگر نیز در این زمینه وجود دارد.

در مجموع روحیهٔ کتاب خوانی در میان جوانان ما کمتر محسوس می شود، جوانان کتبی را می پسندند که بتواند نیاز های زودرس آنها ره بر آورده سازد. خوانندگان کتب علمی، فلسفی و ادبی بدون شک از خود خوانندگان مخصوص دارند و نباید از هر با سواد و ذوق زده توقع داشت که در زندگی اگر یکبار هم می شود، کتاب مقدمه ابن خلدون، هزار و یک شب، کلیله و دمنه، کتاب جمهوریت و سایر کتب ضروری را بخوانند.

هر قدر جامعه به سوی علمی شدن و عقلانی شدن سیر نماید و تعداد متخصصان، دانشمندان علوم طبیعی، اجتماعی، دینی و ادبی بیشتر گردد، به همان تناسب به میزان کتاب خوان ها در کشور افزوده می شود. همان گونه که در افغانستان از نظر کمی معارف پیشرفت داشته است، به همان تناسب چاپ، نشر، و عرضهٔ کتاب در زمینه های مختلف بیشتر گردیده است.

امروز انتشارات خصوصی زیادی در کشور مصروف چاپ و عرضه کتاب می باشند، اما نباید هر نوع خام و پخته در مارکیت کتاب عرضه شود. کتاب مبتذل، شعر مبتذل و طرح مبتذل نه تنها به نفع کشور نخواهد بود، بلکه جامعه را به سوی ابتذال خواهد کشاند.

امروز اکثریت کتبی که از سوی این انتشارات چاپ می شوند فاقد ویراستاری است و نقد و نظر نخبگان در چاپ کتاب کمرنگ می باشد، بارها دیده شده است که پاره یی از کتب بدون مشوره اهل تخصص در رشته به چاپ رسیده است که تبعات منفی از آن متصور می باشد.

قهرمان. در برگ های تقویم



چندی پیش مجلس نمایندگان ۱۸ سنبله سالروز شهادت شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور را به روز شهداء تصویب نمودند و نام او را از تقدیم رسمی کشور حذف نمودند. تصمیم نمایندگان در حالی صورت گرفت که ۱۸ سنبله در تقویم سال های گذشته به نام روز شهادت قهرمان ملی و تا ۲۴ همین ماه به هفتهٔ شهید مسمی و درج رخصتی های عمومی بود. ولسی جرگه روز چهارشنبهٔ مؤرخ ۲۷ ثور

که در نبود تکمیل بودن نصاب و با نگاه های تب آلود نام قهرمان ملی را حذف نمودند. اما تصویب ولسی جرگه با مخالفت هایی شدید نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و مطبوعات کشور رو برو گردید.

در پاسخ به اعتراض های مدنی، مجلس نمایندگان در یک رأی گیری علنی با رد تصویب قبلی بار دیگر در یک رأی گیری علنی فیصله نمودند تا این روز به نام قهرمانی ملی تصویب و وارد تقدیم رسمی کشور شود. در این رأی گیری تنها چهار نفر از جمله میرمن شکریه بارکزی نمایندهٔ مردم کابل و آقای اسماعیل یون نمایندهٔ جلال آباد و دو نفر دیگر در مخالفت رأی دادند.

در ابتداء دلایلی که برای حذف نام مسعود شهید از تقویم رسمی مطرح شده بود، تعدد شهداء با ریشه های قومی آنان خوانده شده است که هر کدام مدعی بودند سالروز هر شهید باید درج تقویم گردد. در حالی که با حفظ احترام و نیکوداشت از جایگاه هر شهید این سرزمین، نقش منحصر به فرد شهید مسعود در برهه های دشوار را نه دوست انکار می کند و نه دشمن با انصاف.

بناءً، این طرح توطیهٔ بود که توسط حلقات معلوم الحال با نگاه های قومی برنامه ریزی شده بود که خوشبختانه نمایندگان مردم با هوشیاری یک بار دیگر متحدانه این توطیه را خنثی نمودند و به دشمنان افغانستان جواب کوبنده دادند.

روح همه شهدای کشور را شاد می خواهیم



خطوط کلی افکار و اهداف نخستین بانیان نهضت اسلامی سده بیستم:

به باور بعضی از تحلیل گران و تاریخ نگاران که در اواخر قرن نوزدهم عیسوی امپراتوری عثمانی به عنوان وارث و مدعی خلافت اسلامی بسوی زوال و فروپاشی رفت و سپس خلافت از سوی اتاترک ملغی شد، اندیشه اتحاد اسلامی در جهت بقا و تحکیم خلافت اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی بصورت یک طرح و دیدگاه سیاسی بوجود آمد. چهره های معروف این دیدگاه سید جمال الدین افغانی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی ومحمد رشید رضا بودند.

جنبش های اسلامی که سپس در اوایل سده بیستم به خصوص پس از جنگ جهانی اول در کشورها و جوامع اسلامی به خصوص در کشور مصر تکوین یافت متأثر و ملهم از اندیشه و دیدگاه چهره های متذکره بودند. خطوط اصلی و کلی افکار و اهداف این تیوری پردازان تأثیرگذار را در مورد اسلام و سیاست بر فرآیند نهضت های اسلامی و یا جریان اسلام گرایی چه چیزی تشکیل می داد؟

۱- سیدجمال الدین افغانی:

سیدجمالدین افغانی(۱۸۹۸-۱۸۳۸ عیسوی)، از شاخص ترین چهره های فعال وتأثیرگذار نهضت اسلامی سده بیستم است که در واقع نظریات او از نیمه دوم قرن نوزدهم در این زمینه آغاز شد. سیدجمال الدین افغانی اروپا را منبع تهدید اسلام و دنیای اسلام می پنداشت و بر اتحاد مسلمانان درمقابله با این تهدید تأکید میکرد. به خصوص او انگلیس ها را عامل اصلی استعمار و استیلا بر دنیای اسلام میدانست که منابع طبیعی مسلمانان را غارت میکنند.

نه تنها چهره ها وحلقه های مختلف جریان اسلامی در قرن بیستم سیدجمال الدین افغانی را بانی این جریان و چهره مبارز و انقلابی ضد استعمار غرب میدانند بلکه نویسندگان و پژوهشگران غربی نیز او را مؤسس جنبش اسلام گرایی معرفی می دارند و نقش او را در این مورد بسیار برجسته تلقی میکنند. بگونه مثال : "ویلفر کانتول اسمیت" Wilfred cantwell Smith(۲۰۰۰- ۱۹۱۶)مستشرق کانادایی مدیر سابق مرکزمطالعات ادیان در دانشگاه هاروارد با تأکید به این ویژگی سید جمال او را شخصیتی میداند که افکار سنتی اسلام را با اندیشه های مدرن اروپایی در هم آمیخت و تفکر ناسیونالیزم بومی و پان اسلامیزم را در جهان اسلام ارائه کرد.

سیدجمال الدین افغانی در سده نوزدهم که در واقع با اندیشه و افکار خود جنبش اسلامی یا اسلام گرایی را شکل داد پیوسته در سفر به کشورهای اسلامی و حتا اروپایی بود. او در ۱۸۳۸یا ۱۸۳۹عیسوی در افغانستان(اسعدآباد کنرها)تولد یافت و در مارچ ۱۸۹۷در ترکیه پدرود حیات گفت؛ هرچند ایرانی ها او را متولد اسدآباد همدان ایران میدانند. سیدجمال الدین در طول حیات خود به کشورهای هندوستان، عربستان (مکه)، شامات(دمشق و فلسطین)، عراق، ایران، فرانسه، روسیه، آلمان، بریتانیا و مصر سفر کرد. چشم دید وی از سلطه غرب بر مسلمانان در سفرهایش ذهنیت ضد غربی سیدجمال را شکل داد. سید جمال الدین در هر کشوراسلامی گام هایی را برای اصلاح و اشاعه تفکر اتحاد اسلامی و مبارزه با استعمار غربی بر میداشت. در افغانستان جریده شمس النهار را منتشر ساخت، در مصر وارد دانشگاه ازهر شد و به تدریس پرداخت. سپس شاگردان او به خصوص محمد عبده به ترویج اندیشه های انقلابی و اصلاحی او پرداختند. پس از مصر او به آسیای صغیر(ترکیه) رفت و به فعالیت و تبلیغات خود ادامه داد. اما او درسال ۱۸۷۰ از سوی سلطان عثمانی متهم به ترویج بی دینی شد و از ترکیه اخراج گردید. سید جمال الدین در مارچ ۱۸۷۱ به مصر برگشت. او در این دوره اندیشه پان اسلامیزم را بیشتر رواج داد. اما در مصر به همان اتهام در دولت عثمانی تحت فشار واقع شد و توفیق پاشا خدیوی مصر او را به سویس(سپتمبر ۱۸۷۹)تبعید کرد. سپس وی به هندوستان رفت و از آنجا در ۱۸۸۲وارد پاریس شد. دوسال بعد در مارچ ۱۸۸۴ نشریه "عروةالوثقی"انتشار داد. محمدعبده شاگرد مصری او به وی پیوست و کار این نشریه بالا گرفت.

محمدعبده:

محمدعبده(۱۹۰۵-۱۸۴۹عیسوی)اهل مصر و از تحصیل یافتگان دانشگاه ازهر قاهره معلم، نویسنده، سیاستمدار و مفتی دولتی مصر از ۱۸۹۹تا پایان عمرش بود. او که از شاگردان سیدجمال الدین افغانی و در اندیشه های دینی و سیاسی خویش متاثر از افکار وی بود خود نیز شاگردان نامدار و تاثیر گذار بر افکار و تحولات سیاسی و دینی را در مصر تربیه کرد. افرادی چون: محمدرشیدرضا، سعدزغلول، طه حسین و . . . .

محمدعبده برغم همسویی با نظریات دینی- سیاسی سیدجمال الدین افغانی و تأثیر گذاری اش بر شکل گیری جنبش اسلامی دیدگاه های مختص به خود را در مسایل سیاسی و دینی داشت. او بیشتر اصلاح طلب دینی بود تا یک چهره مبارز و ستیزه جوی انقلابی. هر چند که چون سید جمال در آغاز طرفدار جدی وحدت مسلمانها و ایجاد وطن واحد اسلامی بود، اما سپس از غیر عملی بودن این نظریه سخن گفت. محمدعبده در برابر مذاهب مختلف مسلمانها سیاست تسامح داشت و حتا با مسیحیان و یهودیان با این دید نگاه می کرد.

تلاش محمدعبده به اصلاح فکری و تربیتی تمرکز داشت و اصلاح اجتماع را مستلزم اصلاح افراد میدانست. محمدعبده علی رغم این اندیشه، با جریان محافظه کار و تحجراگرای دینی از یکسو و با افکار غرب زدگی از سوی دیگر مخالفت می ورزید. در حالی که تحجر، کج فهمی و خرافات اندیشی را در مبانی عقلی، دینی و سیاسی مسلمانها عامل ضعف و درماندگی میدانست، اخذ قوانین دیگران را که هدفش دنیای غرب بود بدون توجه به انطباق آن قوانین با عقاید و فرهنگ اسلام و مسلمانها موجب آشفتگی معنوی و فروپاشی استقلال تلقی میکرد. او دیدگاه تقلید و اقتباس از قوانین غربی در جهت پیشرفت جوامع اسلامی و ناتوانی اسلام را در پاسخگویی به مسایل روز رد میکرد. وی به ایجاد نظام و در واقع به تشکیل حکومت اسلامی منطبق به شریعت اسلام اعتقاد داشت. اما نکته جالب و مهم در این دیدگاه وی ارائه دو اصل استصلاح و تلفیق در جهت ایجاد نظام اسلامی مورد نظر وی است. اصل استصلاح یا مصالح همانا ارجحیت به مصالح عمومی مسلمانان در زمان استنباط قوانین از قرآن و سنت بود. اصل تلفیق یا انتخاب به گزینش و استخراج راه حل مسایل از میان مذاهب اربعه فقهی سنی وحتا نظریات مستقل فقها بر میگشت. او با این دیدگاه بصورت یک متفکر دینی معطوف به روش عقلانیت شناخته می شود.

۲- عبدالرحمن کواکبی :

عبدالرحمن کواکبی متولد حلب سوریه(۱۹۰۲-۱۸۵۴)ومتوفا درمصر از چهره های معروف و تأثیرگذار برجریان اسلام گرایی معاصر است. او درشام(سوریه)برغم آنکه مناصب دولتی داشت و به کرسی شهرداری حلب نیز رسید با سلطه ی عثمانی ها مخالفت میکرد و باری از سوی حاکمان عثمانی زندانی شد. سپس در سال۱۸۹۹از سوریه بیرون رفت و پس از سفر به شبه قاره هند و کشورهای دیگر در مصر اقامت گزید. اندیشه های سیاسی کواکبی در دو اثرش طبایع الاستبداد و ام القری انعکاس یافت. کتاب نخست در مورد استبداد بحث می کند. او با استبداد وحکومت استبدادی در جامعه اسلامی به شدت مخالفت می ورزید و عامل آنرا در دوری از دو اصل اراده عمومی و اصل شورا سراغ میکرد. کواکبی در این کتاب از رابطه دین با استبداد، رابطه جهل با استبداد، اخلاق و استبداد، رابطه تربیت با استبداد و رابطه مال با استبداد سخن میگوید و به استفاده ی ابزاری ستمگران از دین در حاکمیت شان انگشت میگذارد. اما او درک درست از دین در قرآن را منتج به ایجاد مبارزه علیه استبداد میداند. کواکبی جهل را نیز عامل استبداد تلقی میکند وبه ویژه جهل در دین را موجب تداوم استبداد می پندارد. کواکبی فساد مالی و نابرابری اجتماعی را نتیجه استبداد قلمداد میکند. از تباهی اخلاقیات مردم و ازسوء تربیت درفضای استبداد سخن میگوید که انسانها در این فضا ترسو، حسود، و در برابر قدرتمند تر ازخود مطیع و مداح و در مقابل ناتوانان خشن و ستمگر بار می آیند.

کواکبی حکومت مورد نظر خود را در برابر حکومت استبدادی برخاسته از مردم و خادم مردم میداند؛ اما مردم را در پذیرش و سکوت در مطالبه حقوق شان ملامت می کند. کواکبی عدالت و استبداد را متناقض هم می خواند و مستبد را عادل نمیداند. او به نظارت مردم درجلوگیری از استبداد تأکید میکند نه به خوبی و حسن زمامدار.

کواکبی راه نجات از استبداد را در طبایع الاستبداد با توجه به سه محور: درک استبداد توسط مردم و در واقع آگاهی سیاسی مردم، مبارزه مسالمت آمیز وایجاد بدیل برای نظام مستبد مورد بحث و بررسی قرارمیدهد.

کواکبی در کتاب ام القری ضعف و درماندگی مسلمانان را تحلیل می کند و از ضرورت اصلاح دینی و همسویی علم و دین سخن می گوید. او راه حل را به احیای خلافت اسلامی به شیوه خلفای راشیدین پیشنهاد میکند و به عرب بودن خلیفه و انتقال خلافت ازترک های عثمانی به اعراب انگشت میگذارد. اماخلیفه در نظریات او با پرهیز از دخالت در امور سیاسی تنها نقش نمادین معنوی را در وحدت مسلمانها دارد که در حجاز(عربستان سعودی) مستقراست نامش در خطبه های نماز جمعه ازسوی مسلمانان جهان خوانده می شود. هرچند کواکبی به صراحت ازجدایی دین و سیاست سخن نمی گوید اما در جلوگیری از استبداد در پوشش دین وبه نام خلافت به دوری خلیفه از امورسیاسی تأکید میکند.

۳- محمدرشیدرضا :

محمدرشید رضا که پدرش از کشور سوریه بود درسال۱۸۶۵عیسوی در طرابلس لبنان تولد یافت ودرسال۱۹۳۵ درمصر پدرود حیات گفت. رشید رضا در ۱۸۹۷ عیسوی وارد مصر شد و یکسال بعد روزنامه"المنار"را منتشر کرد. این نشریه در واقع خط فکری هفته نامه عروة الوثقی را در قاهره تعقیب میکرد که از سوی سید جمال و محمدعبده بنیانگذاری شده بود.

رشید رضا دوران جوانی اش را در لبنان تحت تأثیر ونفوذ مجله عروة الوثقی با روزنامه نگاری و فعالیت های دینی- سیاسی آغازکرد. محدودیت و فشار دستگاه حاکمیت عثمانی بر فعالیت های رشید رضا در لبنان اورا بسوی مصر کشانید تا فضای آزادتری برای زبان و قلمش پیدا شود. او در مصر به این فضا دست یافت و با آشنایی و شاگردی نزد محمدعبده و درمشورت و همکاری او به نشر هفته نامه المنار آغاز کرد. المنار پس از دوسال به مجله تبدیل شد و راه خود را به عنوان نشریه معتبر وبا نفوذ دینی- سیاسی میان جوامع مسلمان کشورهای مختلف حتا تا قاره امریکا بازکرد. محمدرشید رضا اندیشه و دیدگاه خود را در مورد اسلام و سیاست در مقالات و آثار خود به تفصیل بیان داشت. او اسلام را دین سیاست خواند و سیاست را جزئی از دین اسلام تلقی کرد.

فروپاشی امپراتوری عثمانی، تفرقه میان مسلمانان بر مبنای هویت های قومی و زبانی، استیلای اروپایی ها بر بسیاری از متصرفات این امپراتوری و سپس لغو خلافت عثمانی توسط مصطفی کمال رشیدرضا را بسوی اعاده ی خلافت اسلامی و اتحاد مسلمانها برد. او ایجاد خلافت را در تشکیل شورای اهل و عقد بررسی می کرد که در بیرون از مناطق اسلامی تحت تسلط غربیان دایر شود. رشیدرضا شورای اهل و عقد را نهاد قدرتمند در حکومت اسلامی مورد نظرش ترسیم میکند که بر اعمال خلیفه و زمام دار نظارت میکند. رشیدرضا خلافت را بدو دسته خلافت صحیح یا خلافت خلفای راشدین که خلافت آرمانی مورد نظرش است و خلافت متغلبه تقسیم می کند.

حماسهٔ ۸ جوزای ۱۳۸۵
خاطرهٔ ماندگار تاریخ

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

حیات ملت ها در درازنای تاریخ در گرو حماسه آفرینی ها و کارنامه هایی است که فرزندان آن ها با ایثارها و قربانی ها بیدریغ خود آن ها را مایه گذاری می کنند و به حیث رهچراغ های در مسیر نسل های اینده قرار گرفته و باعث ادامه و تداوم زندگی سرفرازانهٔ ملت می شوند. بدون شک تاریخ زندگی ملت مسلمان و مجاهد افغانستان پر از حوادث و ماجراهای است که باید فرزندان آگاه این ملت آن ها را به خوانش گرفته و عوامل و انگیزه های آن ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند و شیب و فرازهای آن را به گونهٔ آشکار در برابر نسل های بعدی به تصویر کشند.

کودتای هشت ثور و پیامدهای آن که گویای جنایت آفرینی های کودتاچیان وابسته به برنامه های توسعه جویانه و استعماری اتحاد شوروی آن وقت می باشد، یکی از کارنامهٔ سیاه آن، همانا تیرباران بیش از یکصد نفر فرزندان راستین و جانباز نهضت اسلامی افغانستان است که در یک روز همه جام شهادت نوشیدند و با خون های پاک خویش توفانی را سروسامان دادند که نه تنها ایادی مزدور کودتاچی در گودال سیه کاری های خود فرو رفتند که حامیان آن ها هم به سرنوشت متجاوزان دیگر در درازنای تاریخ روبرو شدند که شهید عبدالستار مشهور به مستوفی فارغ التحصیل فاکولتهٔ اقتصاد و نادر جان محصل فاکولتهٔ حقوق و عبدالقیوم محصل فاکولتهٔ زراعت از آن جمله می باشند.

حماسهٔ هشت جوزا اگر از یکسو قهرمانی و سربازی سپاهیان و رهروان نهضت اسلامی افغانستان را در راه دفاع از ارزش ها و مقدسات مردم مسلمان این کشور به نمایش می گذارد که مرگ با عزت را بر زندگی ذلت بار اسارت ترجیح دادند و از سوی دیگر سیه کاری ها و خون آشامی های گروه های جیره خواری را در برابر چشمان نسل های پسین این سرزمین که به تعبیر علامه اقبال لاهوری: «سرزمینی کبک او شاهین مزاج / آهوی او گیرد از شیر اخراج » به تصویر می کشد که حیثیت و آبرو و عزت چنین ملتی را قربانی خواسته های توسعه جویانهٔ دشمنان دین و عقیده و آزادی آن می سازد.

بدون شک بازی سربازگیری از کشورهای عقب مانده و انکشاف نیافته توسط قدرت های بزرگ گرچه در دوران جنگ سرد و چه در دوران معاصر یکی از مشخصات بارز آن ها در راستای تأمین منافع منطقهٔ و جهانی شان به حساب رفته که کشورما هم در تاریخ معاصر خود در دام چنین شکاری گیر مانده و دچار رنج ها و دردهای از این رهگذر گردیده است.

ولی این بازی ها، سربازگیری برای بازیگران اصلی خود هرگز نتیجهٔ مطلوب نداده و چه بسا که ضربه های نابودگرانه ای را متوجه آن ها کرده است.

حماسهٔ با شکوه هشت جوزا در تاریخ معاصر این کشور و جانبازی راستین فرزندان این آب و خاک در چارچوب نهضت اسلامی افغانستان این حقیقت را به گونهٔ آشکار به نمایش گذاشت که این گونه سرباز گیری ها در راستای تأمین منافع و چنین حرکت های آزمندانه نه تنها به سود اشغالگران مغرور است بلکه، گامی است در راستای نابودی این قدرت های آزمند و سیه روی ایادی آن در برابر تاریخ و مردم وطن.

درود فراوان به ارواح شهدای سربکف هشت جوزا و سایر جانبازان راه آزادی

نذرالله عنایت

پیوستن با مراکز (قدرت و ثروت) حق مسلم، نیاز امروز و فردای کشور

افغانستان به عنوان کشوری که هنوز در بستر بحران بسر می برد، چندین پیمان راهبردی را به منظور نجات از این بحران ها با کشور هایی مهم دنیا به امضاء رسانده است. نخستین امضای پیمان راهبردی را با کشور فرانسه و دومین را با هند، سومین را با انگلیس، چهارمین را با آمریکا، پنجمین را با آلمان، ششمین را با ایتالیا و هفتمین را با آسترالیا به امضا رسانده است.

قرار است در آیندهٔ نزدیک پیمان های مشابهی را با کشورهای و ترکیه و برخی از کشورهای خارج از حوزهٔ ناتو مانند جاپان... به امضاء برساند.

اما با امضای پیمان هایی راهبردی و تعهداتی را که جامعهٔ جهانی در قضیه افغانستان تجدید می نمایند، پاسخی به این گونه نگرانی ها بوده و تا اندازهٔ آیندهٔ ثبات، امنیت و توسعه را در کشور ضمانت می نماید. نشست شیکاگو تعهدات و پیام های آن تا حدودی به این نگرانی ها پاسخ گفته است.

آندرس راسموسن، دبیر کل ناتو در نشست شیکاگو تصریح کرد، بر خلاف تصور عمومی، نشست شیکاگو پایان حضور این سازمان در افغانستان نیست، بلکه این کنفرانس در مورد آغاز یک ماموریت جدید در افغانستان بحث می کند.



دولت افغانستان می گوید، هدف از امضای این گونه پیمان بستن ها، رهایی این کشور از انزوای سیاسی در چشم انداز نه چندان دور و فایق آمدن به چالش های کنونی در بستر فلسفی آن می باشد. مهم ترین دشواری هایی که افغانستان از سال ها بدینسو به آن ها دست و پنجه نرم می کند، نا امنی ها می باشد. تروریسم و یا افراط گرایی به عنوان عامل اصلی نا امنی ها در ساختارها و سازه هایی آن، بیش از سه دهه است که امنیت کشور، منطقه و جهان را تهدید می کند.

افغانستان کشوری که موقعیت ژئوپولتیک و ژئو استراتیژیک دارد، بستر اصلی تهدید تروریسم دولتی، استخبارات مذهبی، قومی و مافیای سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است.

با توجه به این دشواری ها، افغانستان نیاز دارد، برای مبارزه با تهدیدات امنیتی، نابودی فقر و توسعهٔ منابع تولیدی و انسانی، با کشور های قدرتمند دنیا به منظور جلب کمک ها در ابعاد مختلف تعهداتی را به امضاء برساند.

بدون شک کشور جنگ زدهٔ که تمام ساختارها و ته بناهایش را از دست داده است و هنوز هم تهدیدات بالفعل از آن قربانی می گیرد، پیوندش با منابع قدرت و ثروت دنیا نیاز مبرم محسوب می گردد.

با نزدیک شدن خروج نیروهای ناتو در سال ٢٠١۴، تشویش و نگرانی های وجود دارد که افغانستان یک بار دیگر به سال های دههٔ هفتاد خورشیدی که سازمان های استخباراتی جنگ های نیابتی شان را راه انداخته بودند بر نگردد.

نشست شیکاگو آن گونه که گفته شد دو پیام صریح داشت، یکی این که خروج نیروهای ناتو تا ٢٠١۴ قطعی است و دوماً این که این سازمان پس از سال ٢٠١۴ نقش حمایت گرانهٔ خود را از نیروهای افغانستان ادامه می دهند.

مقامات ایالات متحده امریکا با نزدیک شدن زمان خروج نیروهای ناتو از افغانستان، رأی زنی های جدی و گستردهٔ را در بارهٔ قانع کردن سایر اعضای ناتو مبنی بر چگونگی حد اقل حضور دوامدار غیر نظامی آنان در افغانستان و منطقه، آغاز کرده است.

اما سوال اساسی این است که آیا حکومت افغانستان با ضعف های داخلی که دارد می تواند تنها با امضای این گونه پیمان ها طی طریق نماید و کوله باری را که در پشت دارد، به ساحل برساند؟

پاسخ به این گونه پرسش ها به عوامل و نگاه های حاکمیت بستگی دارد که چگونه بتواند، از فرصت ها و امکانات موجود استفاده نماید. در حالی حاضر چیزی که بسیار امیدوار کننده هم برای حکومت و هم برای مردم می باشد، تعهدات جامعهٔ جهانی به ویژه کشورهای عضو ناتو می باشد.

به باور برخی از تحلیلگران واداشتن کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی ناتو مبنی بر بستن پیمان های راهبردی با دولت افغانستان، از طرف امریکا و بنا به توصیه هایی آن کشور صورت گرفته است. در همین حال برخی ها به این باور اند که بستن پیمان هایی غرب با افغانستان با هدف برنامه های استراتیژیک و در راستای همان تلاش هایی صورت می گیرد که این کشور ها برای حضور طولانی تر در منطقه و افغانستان از پیش طرح و برنامه ریزی کرده اند.

خیلی ها می گویند امضای پیمان ها با کشور های قدرتمند، افغانستان را به جای اینکه به مرحلهٔ ثبات و توسعه برساند، بیش از پیش به وابستگی نزدیک می سازد.

گروه های که این گونه دیدگاه ها رامطرح می کنند، ایدئوگ های نزدیک به حلقات کشورهای همسایه در داخل نظام و گروه های مسلحی اند که کلید راه حل را همواره در جنگ می دانند. **این گروه ها بدین باورند که دنیای معاصر به دو قطب (اسلام و کفر) نمایندهٔ کفر جهانی آمریکا و نمایندهٔ مسلمانان دنیا سازمان القاعده تقسیم شده است.** جنگ مقدس که در اسلام به (جهاد) توصیف شده است با نمایندهٔ کفر جهانی در افغانستان فرض پنداشته می شود. این گروه ها در ده سال گذشته همواره با دشمن شان جنگیدند و قربانی های زیادی را هم جامعهٔ جهانی و هم مردم افغانستان متحمل شدند. ناگفته نماند که ریشهٔ این جنگ در افغانستان بر می گردد به زمان تجاوز ارتش سرخ و پیش از آن ادعایی مرزی بین افغانستان و پاکستان(خط دیورند).

گروه های که به نیابت از دیگران افغانستان را بستر جنگ ساختند، در دهه هفتاد با نیروهای مقاومت نیز یک جنگ فرسایشی را راه اندازی نمودند که رهبری دفاع را از مردم در آن زمان شهید صلح استاد ربانی و قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود همراه با سایر فرمانده هان و نخله های جامعه به عهده داشتند.

پاکستان کشوری که ۶۵ سال پیش با حمایت انگلیس در منطقه عرض اندام کرد، با شعار های جاه طلبی در منطقه عامل چندین بحران گردید که تا هنوز این کشور با چنگ و دندان های اتمی و سیاست تروریسم پروری تهدید جدی برای ثبات منطقه پنداشته می شود. حالا که افغانستان خود را.با دنیا نزدیک ساخته است، تحمل این وضعیت برای کشوری چون پاکستان و متحدان استراتیژیک اش قابل نگرانی بوده و طبیعتاً آنان را تحریک می کند.

به عنوان نیتجه گیری در یک نگاه کلی وقتی دیده می شود که از چندین دهه بدین سو افغانستان ویران شده است و هنوزهم دارد خطر ما را تهدید می کند، پیوستن افغانستان با مراکز قدرت و ثروت دنیا، به منظور دفاع، تامین ثبات و توسعه، یکی از اولویت ها بوده و حق مسلم ماست تا با دنیای مدرن **روابط دوستانه و** راهبردی داشته باشیم.

در شیکاگو

آصف علی زرداری از صلاح الدین ربانی دعوت نمود تا به پاکستان سفر نماید

ث – ثامر

در یک جامعه آنچه برای امروز و فردای آن امیدوار کننده به نظر می رسد، صلح و تأمین امنیت در آن جامعه است. تا زمانی که صلح در یک کشور تأمین نباشد، در امور دیگر هرچه تلاش صورت گیرد، کشور و باشندگان آن به سوی رفاه و ترقی و توسعه راه نمی یابند. زمانی یک کشور و باشندگان آن به سوی ترقی و رشد سیر صعودی را می پیمایند که تشویش ناامنی در ذهن شان خطور نکند و خود را در پیشبرد امور مورد علاقه، راحت احساس نمایند.

سالهاست که شهروندان کشورما طعم تلخ ناامنی و در دلهره زیستن را می چشند. و اندرین راه برخی از بهترین رهبران و فرماندهان دوره های جهاد و مقاومت، شخصیت های روحانی و صاحب نفوذ و مردم مظلوم و درد دیدهٔ کشورمان جان های شیرین شان را از دست دادند و تعدادی هم معلول و معیوب گردیدند و برخی هم در مناطق ناامن کشور خسارات مالی را متقبل شدند. بناءً باشندگان کشورما بیشتر از هر چیز دیگر به صلح و ختم جنگ نیاز دارند و از هر آواز صلحخواهانه استقبال می نمایند.

در حاشیهٔ کنفرانس شیکاگو که هفتهٔ پیش در امریکا دایر شد، حامد کرزی با آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان باهم دیدار نمودند که موضوع محوری آن را بحث روی پروسهٔ صلح و نقش پاکستان تشکیل می داد، هر دو طرف به صلح و ثبات و ریشه کن کردن تروریزم و افراط گرایی در منطقه متفق بودند در این دیدار، که رئیس شورای عالی صلح نیز حضور داشت، پاکستان از صلاح الدین ربانی خواست تا جهت تسریع پروسهٔ صلح به آن کشور سفر نماید. پیش از این نیز پاکستان از صلاح الدین ربانی دعوت نموده بود تا سفری به پاکستان داشته باشد. بعد از شهادت شهید صلح استاد برهان الدین ربانی پروسهٔ صلح بین دو کشور متوقف شد. قرار است با سفر صلاح الدین ربانی روند صلح بین دو کشور از سر گرفته شود و پاکستان در این راستا صادقانه گام بردارد تا نتایج مثبتی را در پی داشته باشد که منجر به ختم جنگ، تأمین امنیت و تحکیم صلح در در هردو کشور (افغانستان و پاکستان) گردد.

آقای راسموسن سرمنشی ناتو نقش پاکستان را در حل معضلهٔ افغانستان مهم خوانده گفته است که، در مورد با مقامات پاکستان مفصل بحث خواهد نمود. سرمنشی ناتو تأکید بر این داشته است تا جهت حل سیاسی معضلهٔ افغانستان، فضای گفتگو و مذاکره با طالبان به رهبری خود افغان ها پیش برده شود.

حامد کرزی با سرمنشی سازمان ملل متحد، نیز روی ضرورت پروسهٔ صلح در افغانستان بحث نمودند، که در این دیدار هر دو جانب در مورد پروسهٔ صلح و همچنان نقش کشور پاکستان در روند صلح را مفید خوانده اند. بانکی مون در این زمینه وعدهٔ همکاری نموده گفته است که، در پروسهٔ صلح همکاری های منطقوی و مذاکره با مخالفین حایز اهمیت می باشد.

پیش از این نیز صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح، در روزی که به حیث رئیس این شورا معرفی می گردید، پیرامون نقش پاکستان و ضرورت صلح در کشور و منطقه تأکید نموده گفته بودند: « از جمهوری اسلامی پاکستان توقع داریم که برای تأمین صلح در افغانستان گام های موثری بردارد. زیرا تجربهٔ خشونت های پسین در افغانستان، ثابت ساخته است که از شعله های ناامنی و بدبختی در افغانستان، پاکستان به هیچ صورتی در امان نیست و معلوم است که دوام جنگ به ضرر منطقه به خصوص دو کشور افغانستان و پاکستان است.»

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ نهم ٦ جوزای ۱۳۹۱ ٥ رجب المرجب ۱٤۳۳ - 26 May 2012

دپاکستان له لیارې دناټو اکمالاتي لیاراو په وړاندې یې ګواښونه

رفیق بحر

د شمالي اوقیانوس دهیوادونو نظامي تړون (ناټو) چې دشوروي امپراتورۍ له ړنګیدو وروسته له شپاړسو هیوادنو څخه تردامهاله داتـه ویشت هیوادونو تړون ته رسیدلی دی او د طالبانو د واکمنۍ له ختمیدو وروسته، چې کله په افغانستان کې دملګرو ملتونو لخوا ایساف ځواکونو یو څه موده دخپل ماموریت تر سره کړ او وروسته د ناټوتړون د ترهګرۍ(؟) پرخلاف روانه جګړه پر غاړه اخستې ده نو د تېر کال د نومبرتر میاشتې پورې یې د پاکستان له لیارې خپل اکمالات کول. خو چې کله تیر کال د نومبر په څلرویشتمه نیټه دپاکستان ۲۶ پوځیان دناټو په بمبارکې ووژل شو نو د پاکستان حکومت په ناټو باندې دغه اکمالاتي لیار وتړله او ناټو دې ته اړ شوه چې د شمال له لیارې خپلې اکمالاتي لارۍ افغانستان ته راورسوي.

چې پدې لړکې د امریکا حکومت او د ناټو چارواکو څوځلې له پاکستان څخه د ناټو لاریو پر وړاندې د لیارې خلاصولوغوښتنه کړیده. همـدا خو په پاکستان کې د اسامه له وژل کېدو وروسته (چې امریکایي ځانګړو ځواکونو تېر کال د مې په لومړۍ نیټه دابیټ آباد په سیمه کې دعملیاتو په ترڅ کې وژلی وو) د پاکستان او امریکا اړیکې له هغه مهال څخه ترینګلی شوي وې خود پاکستاني پوځیانو له وژل کېدو وروسته نازك دور ته داخلی شوي دي او د پاکستان حکومت لخوا له امریکا څخه دپوځیانو په وژل کېدو دبخښنې دمکررې غوښتنې سره هم امریکا دپاکستان دغې غوښتنې ته مثبت ځواب ندی ورکړی؛ چې لاملـه یې تیره اونۍ دناټو په هغه سر مشریزه کې چې په شیکاګو کې دایره شوې وه، دپاکستان دولسمشر آصف علی زرداري لخوا د ګډون اراده او هیله هغه وخت یقیني شوه چې کله ددغه هیواد دبهرنیو چارو وزیرې ((حنا رباني کهر)) وویلې چې اوس هغه وخت رارسیدلی چې دناټو په وړاندې دپاکستان په تړل شوي لیار خبرې وشي او یوځل بیا دناټو د اکمالاتي لاریو په وړاندې پاکستان خپله دغه لیار پرانیزي. چې پدې سره آصف زرداري ته دشیکاګو په غونډه د ګډون لپاره بلنه راورسیدله او دا انتظارکیده چې د شیکاګو د سرمشریزې پر مهال به د(زرداري)، له (اوباما) او ناټو د سرمنشي (اندرس فوګ راسموسن) سره لیدنه ترسره شي خو دلیارې په سریه خپلوکې خبرې وکړي او له ناټو څخه دهرې لیارۍ په سر دیوځه غوښتنه وکړي؛ چې دځینو رسنیو له مخې ویل کیږي چې

امریکایي مقامات او دناټو مسوولین دهرې لیارۍ په سره پنځه زره ډالر ورکولو ته آماده دي خو د پاکستان چارواکي بیا پنځه زره یورو غواړي او وایي چې دغه قیمت له هغه زیان څخه کم دی چې دناټو د درنو لاریو لامله دپاکستان حکومت ته د سرکونو په خرابیدو سره رسیږي.

امریکا او ناټو له ډیرې مودې راهیسې ددې هیله لرله چې پاکستان به د ناټو په وړاندې د چنې په وهلوسره دیو څه مالي امتیاز له لاس ته راوړلو وروسته دغه لیار خلاصه کړي. امریکا او ناټو د پاکستان له لیارې د خپلو اکمالاتي لاریو دارسولو ځکه ډیرلیوالل دي چې دشمال له لیارې په هره لارۍ دناټو اولس زره ډالر لګښت راځي پداسې حال کې د پاکستان له لیارې دغه لګښت اوه زروته رابښکته کیږي. خو د شیکاګو دغونډې پر مهال داوباما او راسموسن دپاکستاني ولسمشرسره کومه لیدنه تر سره نشوه چې دنړیوالې ټولنې دغه دریځ له پاکستان سره جوړ جاړي ته نه رسیدل په ګوته کوي او هم په نړیوال سیاست کې دپاکستان انزوا والی ځرګندوي.

دا چې پاکستان د ناټو لاریوته اجازه ورکوي یانه ورکوي، دا د هر هیواد د خپل ملي حاکمیت او خپلواك هویت پربنیاد منلی شوی حق دي او ښایي په قبایلي سیموکې دناټو دبې پیلوټه طیارو د بمبارونه ودرېدنه هم یکې لامل اوسي چې پاکستاني حکومت یې په وخت په وخت د ودرېدو غوښتنه کوي. خو د لاریو په سره د قیمت ورکولوله چنې وهلو څخه ځرګندیږي چې دپاکستان له چارواکو سره د ایډیالوژیکي ګټو په پرتله مادي ګټې ډېرې مطرح دي او دینې ډلې تل دیوابزاریه توګه استعمالوي چې دهغوی سره یې تعامل هم په دوه ګوني سیاست ولاړ دی.

پاتې شوه دا چې آیا امریکا او ناټو به لدې وروسته هم د خپلو اکمالاتي لاریو لپاره د لیارې پرانستلو په سر له پاکستان حکومت سره کومې نتیجې ته ورسیږي او که نه؟ او یا دا چې د شمال له لیارې د دغو لاریو د رارسولولپاره به له روسیې او منځنۍ اسیا له هیوادونو سره معاملې ته ادامه ورکړي او که څنګه؟ د شیکاګو په غونډه کې دافغانستان سره د نړیوالې ټولنې لفظي وعدې او په نظامي ډګرکې د دغو هیوادونو لخوا د مرستې په سره د هیوادونو تر مینځه د اختلاف رامینځته کېدل

چې د فرانسې حکومت هم نور خپل پوځیان له افغانستان څخه وباسي او داوباما او ناټو سره یې روانه ملګرتیا نوره ټکنی کیږي. هغه څه دي چې په نړیواله ټولنه کې د درز پیدا کېدل په ګوته کوي او ښایي امریکا او ناټو دشمال له لیارې داکمالاتي لاریو په رارسولو د ډیر لګښت توان تر اوږدې مودې ونه لري: ځکه د اروپا د اقتصادي حالت بحران چې یورو زون یې وهلی دی، له یونان او هسپانې وروسته نورو هیوادونوته هم سرایت کوونکی دی او ښایي د فرانسې د حکومت اوسنی دریځ د سرکوزي په ټاکنو کې دپاتې راتللوله عامل سربیره د اقتصادي بحران د غزیدو ویره یې هم یو عامل اوسي. چې ښایي نورو لویدیځو هیوادونو ته دبحران په غزیدو سره د هغوی دریځونه هم بدل شي او تر دا مهاله د ناټو او امریکا سره د دوي همغږي په امریکا کې راتلونکو ټاکنو پورې د اوباما او د هغه د ګوند لپاره د حیاتي اهمیت پربنیاد د اوباماد ډېرو هلوځلو نتیجه اوسي نه د ناټو د پالیسیو د تائید پر بنیاد: ځکه په ټولو لویدیځو هیوادونو کې دناټو په ماموریت باندې د ولسونو نیوکې او په روانه جګړه کې دنړیوالې ټولنې په بریالتیوب شکونه ډیر شوی دي او د کرزي او اوباما د واکمنیو وروستی شیبې ایجابوي چې هریو خپلې لاسته راوړنې ډېرې وښایي خو حقیقت داسې ندی. او د دې خبرې یو ځرګند ثبوت دشیکاګو له غونډې وروسته د پاکستان د محکمې لخوا هغه ډاکټرته د درنې سزا اورول هم دي چې داسامه په وژلوکې دامریکا په جاسوسۍ تورن شوی. چې پدې سره په د ناټو او امریکا لپاره نور د روانې جګړې ادامه آسانه کارنه ښکاري او ښایي که ناټو خپل تجهیزات له افغانستان څخه ویستل وغواړي نو خپلو هیوادونوته به یې په سالمه توګه ونه شي رسولی: ځکه د انتقال لګښت یې دومره ډیریږي چې له مور یې لورغټیږي. نو اړینه ده چې د نوو تجهیزاتو رارسولو پرځای د ناټو غړي هیوادونه د افغانستان سره د نظامي مرستو په لړکې همدغه وسایل افغانستان ته پریږدي او دفعلي حکومت د اداري فساد د ورکولو لپاره نورخپل فشار لازیات کړي خو د افغان ولس ټولې پرګنې د نړیوالې ټولنې په مرستو باوري شي او په ریښتونې توګه د سولې د لیار په نیولو سره جګړه پای ته ورسیږي چې پدې کې د نړیوالې ټولنې او دسیمې د هیوادونو ټولو خیردی.

سیلاب ها بازهم در ولایات شمال قربانی گرفت

اندیشه

مقامات در ولایت سرپل در شمال افغانستان می گویند، آمار تلفات ناشی از سیلاب های اخیر در این ولایت، به سی نفر رسیده است. عبدالجبار حقبین، والی سرپل گفته است که علاوه برآمار فوق ، چندین نفر دیگر نیز در اثر سیلاب ها ناپدید شده اند و عملیات جستجو در زمینه آغاز شده است.

سیلاب ها ظرف روزهای اخیر به مرکز ولایت سرپل به شدت آسیب رسانده است. خبرنگار مجاهد از شمال گزارش می دهد که بخش های اصلی شهر سرپل، از جمله راه ها، ساختمان های مکاتب، مساجد و مراکز صحی در اثر جاری شدن سیلاب ویران شده است.

گزارش می افزاید که، در اثر سرازیر شدن سیلاب های پیهم بسیاری از مناطق شهر سرپل خالی از سکنه شده و ساکنان آن عمدتاً به مناطق نزدیک، از ولایت های همجوار کوچ کرده اند. این در حالیست که چندی پیش نیز در ولسوالی های سرپل از جمله سنچارک سیلاب خسارات هنگفتی مالی و جانی را به بار آورد و تنها در یک مورد ۳۰ نفری را که در یک محفل عروسی جمع شده بودند به کام مرگ برد.

در همین حال سیلاب ها در اکثر ولایات شمال



قربانی گرفته است. ولایت های تخار ، بدخشان ، بغلان، جوزجان و سمنگان از این ناحیه سخت متضرر شده اند.

افغانستان کشوریست که همواره از ناحیهٔ آفت های طبیعی آسیب پذیر است. سال گذشته ریزش برف، سردی هوا و فرو ریختن برف کوچ در برخی ولایات، جان صد ها انسان را گرفت و خسارات هنگفتی مالی را بر پیکر اقتصاد معلول و شهروندان کشور به بار آورد. خوشبینی به این بود که با آمدن بهار و گرم شدن هوا حد اقل مردم در فضای خوبتر به دور از دغدغه های مرگ، ترس از طبیعت زندگی آرام داشته باشند.

با آنکه تعداد زیادی از افراد آسیب دیده از سیلاب های اخیر در کشور از نحوهٔ کمک رسانی ادارات مسؤول شکایت دارند، اما برخی از ادارات ذیربط از جمله، ادارهٔ مبارزه بر ضد حوادث، ادارهٔ جمعیت هلال احمر افغانی و دفتر یونما در کابل ادعا کرده اند که کمک های لازم را تا حد زیاد در نقاط مختلف کشور به آسیب دیده گان سیلاب ها رسانده است.

آدم ربایی و تظاهرات در بدخشان

* هوشنگ



دو شهروند خارجی که تبعهٔ امریکا و انگلیس هستند در ولایت بدخشان از سوی افراد مسلح ناشناس همراه با دو ترجمان و یک رانندهٔ موتر در ولسوالی یاوان به تاریخ ۲ جوزای سال روان ربوده شدند. شهروندان خارجی در حالی ربوده شدند که می خواستند از یک منطقه به منطقه دیگر سفر نمایند. به گزارش خبرنگار مجاهد از بدخشان، خارجی های ربوده شده کارمند یک مؤسسه به نام (مدیر) بودند که در بخش صحی به ویژه کاهش سوء تغذی و مراقبت طفل و مادر مصروف کار بودند.

گزارش های تأیید ناشده می گوید که ربایندگان انگیزهٔ اصلی این اختطاف ها را به دست آوردن پول و رهایی جلال کسی که متهم به ترورها و قاچاق مواد مخدر است، عنوان شده است.

به گفتهٔ خبرنگار مجاهد از بدخشان، مسؤولان امنیتی گروهی را به سرپرستی آمرجنایی فرماندهٔ امنیتی به منطقه فرستاده اند تا در رهایی آنان با کمک متنفذین محل تلاش نمایند.

تظاهرات در بدخشان:

طبق یک خبر دیگر از بدخشان، جمعی از دانشجویان در این ولایت دست به تظاهرات زده اند. انگیزهٔ اصلی تظاهرات را دستگیری دو استاد دانشگاه، دو آموزگار مکتب و دو دانشجو عنوان نموده اند.

راه پیمایان شعارهای مرگ به امریکا و مرگ به ناتو را سرداده خواهان رهایی بازداشت شده گان شده اند. اما مقامات امنیتی گفته اند که که دستگیر شده گان تصمیم راه اندازی یک برنامهٔ دسته جمعی تروریستی را بالای قوماندانی امنیهٔ آن ولایت داشته اند که نیروهای کشفی پیش از وقوع حادثه، موضوع را خنثی نمودند. اما راه پیمایان که اغلبا دانشجویان دانشگاه بوده اند، گفته اند که استادان شان هیچ گناهی ندارد و ناحق بازداشت شده اند.

قابل یادآوری است که، چندی پیش بدخشان شاهد یک تظاهرات دیگری نیز بود. راه پیمایان، عبدالقدیر مهان، رئیس تحصیلات عالی بدخشان را متهم می کردند. به جای این که به وظایف اصلی خود که عبارت از بهبود وضعیت تحصیلات عالی باشد، مصروف فعالیت های سیاسی می باشد.